

بررسی رابطه بین اصول بدیهی اجتماعی با شاخص‌های عملکرد اجتماعی مثبت دانشجویان

نویسندگان: محسن جوشن‌لو^۱، فاطمه دائمی^{۲*} و فاطمه قدمیه^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اجتماعی، دانشگاه چونم کره جنوبی
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی (خانواده درمانی)، دانشگاه علم و فرهنگ تهران
۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور یزد

*E-mail: Daemi.F@Hotmail.Com

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین اصول بدیهی اجتماعی (بدبینی اجتماعی، پیچیدگی اجتماعی، پاداش کوشش، دیانت و کنترل سرنوشت) با عملکرد اجتماعی مثبت (قدردانی، پیوند با طبیعت، مشارکت اجتماعی، دگراندیشی و دغدغه همدلانه) در دانشجویان، انجام گرفته به علاوه تفاوت‌های جنسیتی نیز در بین متغیرها، مورد بررسی واقع شده است. از نمونه‌ی در دسترس، شامل ۳۰۳ دانشجوی دانشگاه تهران، استفاده شده و جهت تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل همبستگی دومتغیره و تحلیل همبستگی کانونی، استفاده شده است. به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای رابطه یافته شده، از الگوسازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. نتایج نشان داد که از بین اصول بدیهی؛ پیچیدگی اجتماعی و پاداش کوشش، قوی‌ترین همبستگی را (به نحو مثبت) با متغیرهای ملاک، داشته‌اند درحالی‌که کنترل سرنوشت به نحو معنادار با متغیرهای ملاک، همبستگی نداشته است. اصول بدیهی، بیشترین همبستگی را با قدردانی و کمترین را با مشارکت اجتماعی، داشته‌اند. نتایج مربوط به SEM نشان داد؛ رابطه‌های یافت شده بین متغیرهای پیش بین و ملاک، در زنان و مردان، یکسان بوده‌اند. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که؛ اصول بدیهی اجتماعی، همبستگی‌های قابل توجهی با متغیرهای ملاک مورد مطالعه داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: اصول بدیهی اجتماعی، قدردانی، همدلی، پیوند با طبیعت، مشارکت اجتماعی.

دانشور

رشتار

تربیت و اجتماع

• دریافت مقاله: ۸۹/۹/۲۹

• پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۱۰

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year
No.42
Aug-sep. 2010
Education & Society

دوماهنامه علمی- پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۲

شهریور ۱۳۸۹

مقدمه

اصول بدیهی اجتماعی^۱ به عنوان اعتقادات تعمیم‌یافته در خصوص خود، محیط اجتماعی و جسمانی یا جهان روحانی تعریف می‌شوند که شکل یک عبارت که مبین رابطه بین دو ماهیت یا سازه است را به خود می‌گیرند [۱]. به عبارت دیگر اصول بدیهی اجتماعی به اعتقاداتی دلالت می‌کنند که به بافت خاصی وابسته نیستند و چنین صورتی را دارند:

"الف و ب مرتبط هستند". به نحوی که الف و ب می‌توانند هر سازه‌ای باشند. به عنوان مثال این اعتقاد که "دانش برای موفقیت لازم است" دلالت دارد بر رابطه بین دانش و موفقیت و لذا یک اصل اجتماعی است که ممکن است شخصی به آن اعتقاد داشته باشد و آن را بدیهی فرض کند. بر اساس مجموعه‌ای از تحقیقات بین فرهنگی انجام شده در حدود ۴۰ کشور (شامل کشور ما) [۲] پنج اصل بدیهی اجتماعی که وابسته به فرهنگی خاص نیستند را شناسایی کردند شامل: بدبینی اجتماعی^۲، پیچیدگی اجتماعی^۳، پاداش کوشش^۴، دیانت^۵ و کنترل سرنوشت^۶.

بنا بر نظر لونگ و باند [۲] بدبینی اجتماعی نشانگر نگرشی عموماً منفی نسبت به مردم و مؤسسات اجتماعی است. این اصل مبین آن است که فرد تا چه حد از بودن خود در جریان زندگی انتظار نتایج منفی را دارد، علی‌الخصوص در رابطه با افرادی که از خود او قدرتمندتر هستند. پیچیدگی اجتماعی نشانگر قضاوت فرد در خصوص تغییرپذیری رفتار افراد و میزان دخالت عوامل مختلف در تعمیم نتایج امور است. پاداش کوشش نشانگر میزان اعتقاد فرد بر این است که درون دادهایی چون دانش، تلاش و برنامه‌ریزی با دقت قادر به برطرف کردن چالش‌ها و مشکلات هستند. دیانت

نشانگر میزان اعتقاد فرد به این است که اعمال مذهبی دارای تبعات فردی و اجتماعی مثبت است و وجودی متعالی در کار است. شایان ذکر است که دیانت در بافت حاضر به معنی آن نیست که فرد تا چه حد ارزش‌های مذهبی را دنبال می‌کند یا به رفتارهای مذهبی می‌پردازد. این بعد از اصول بدیهی اجتماعی به طور خالص به اعتقادات اجتماعی فرد در خصوص مذهب می‌پردازد. کنترل سرنوشت نشانگر آن است که فرد تا چه حد معتقد است که برآیندها و اتفاقات مهم زندگی مقدر شده‌اند و تحت کنترل نیروهای غیرانسانی قرار دارند و البته قابل پیش‌بینی و تغییر هستند. اصول بدیهی اجتماعی توسط مقیاس اصول بدیهی اجتماعی^۷ (SAS: [۲]) سنجیده می‌شوند.

مطالعات فراوانی نشان از وجود رابطه بین ابعاد پنج‌گانه SAS و دامنه وسیعی از متغیرهای روان‌شناختی دارند. از جمله این متغیرها می‌توان به نگرش‌ها، علایق شغلی، شیوه‌های مقابله، بهزیستی شخصی، شخصیت و ارزش‌ها اشاره کرد (برای مرور به [۳، ۲] مراجعه کنید). مطالعه حاضر که در اصل مطالعه‌ای اکتشافی است به دنبال بررسی رابطه بین اصول بدیهی اجتماعی و مجموعه‌ای از متغیرهاست که نشان‌گر عملکرد مثبت بین فردی، اجتماعی و محیطی افراد است. این رابطه تا بحال به صورت مستقیم مورد توجه و بررسی محققین قرار نگرفته است. در زیر به متغیرهای ملاک به کار گرفته شده اشاره می‌شود.

قدردانی^۸ به عنوان شاخصی از عملکرد اجتماعی و بین فردی بکار گرفته شده است. نویسندگان کلاسیک بر نقش ایجاد و ابراز قدردانی در سلامت و نشاط جامعه و شهروندان تأکید داشته‌اند [۴]. در بافت روان‌شناسی مثبت^۹ نیز از قدردانی به عنوان یکی از قوت‌های انسانی [۵] یاد می‌شود که به ارتقا بهزیستی فردی و بین فردی شخص یاری می‌دهد و به احتمال زیاد برای جامعه به عنوان یک کل سودمند است.

1: social axioms
2: social cynicism
3: social complexity
4: reward for application
5: religiosity
6: fate control

7: social axiom survey
8: gratitude
9: positive psychology

روش

این پژوهش، پژوهشی توصیفی-همبستگی است که در آن متغیرها با روش پیمایش سنجیده شده‌اند.

آزمودنی

۳۰۳ دانشجوی دانشگاه تهران نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. نمونه به صورت در دسترس انتخاب شد. این نمونه از دانشکده‌های مختلف دانشگاه گردآوری شد (۹۶ پسر و ۲۰۷ دختر). میانگین سن نمونه ۲۱/۶۴ بود (انحراف معیار = ۲/۸۵). ۲۱۱ نفر (۶۹/۶٪) قومیت خود را فارس، ۴۳ نفر (۱۴/۲٪) ترک، ۱۴ نفر (۴/۶٪) لر، ۲۳ نفر (۷/۶٪) کرد و ۱۲ نفر (۴٪) موارد دیگر گزارش کردند. ۲۱۵ نفر (۷۱٪) از شرکت‌کنندگان از شهر تهران بودند و ۸۸ نفر (۲۹٪) از سایر شهرهای ایران.

ابزار تحقیق

تمام مقیاس‌ها استاندارد بوده و از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شدند.

اصول بدیهی اجتماعی. پرسشنامه اصول بدیهی اجتماعی (شامل ۶۰ ماده) برای سنجش اصول بدیهی اجتماعی بکار گرفته شد [۱]. پاسخگویان با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ تایی (۱=به شدت مخالف، ۵=کاملاً موافق) به سؤالات پاسخ دادند. این پرسش‌نامه ۵ زیرمقیاس بدیبنی اجتماعی (۱۸ ماده)، پاداش کوشش (۱۴ ماده)، پیچیدگی اجتماعی (۱۲ ماده)، کنترل سرنوشت (۸ ماده) و دیانت (۸ ماده) را در بر می‌گیرد.

قدردانی. فرم شش ماده‌ای پرسش‌نامه قدردانی [۱۲] به منظور سنجش قدردانی بکار گرفته شد. این پرسش‌نامه جهت سنجش گرایش فرد به تجربه قدردانی در زندگی روزانه طراحی شده است. پاسخگویان در مقیاسی هفت تایی (۱=به شدت مخالف، ۷=کاملاً موافق) به سؤالات پاسخ دادند. تحلیل‌های آماری نشان داد که با حذف یکی از موارد این پرسش‌نامه می‌توان آلفای آن را به نحو چشمگیری افزایش داد. بر این اساس ماده شماره ۶ حذف شد و آلفای این مقیاس از ۰/۶۷ به ۰/۷۵ افزایش یافت.

بنابر نتایج مطالعات قبلی که نشان از آن دارند که مشارکت اجتماعی^۱ با درک روان‌شناختی از اجتماع، همانندسازی با اجتماع و بهزیستی اجتماعی در ارتباط است (مانند [۶])، این متغیر نیز به عنوان شاخصی از عملکرد اجتماعی مثبت در مجموعه متغیرهای ملاک قرار داده شد. دو مقیاس دغدغه همدلانه^۲ و دگراندیشی^۳ نیز برای سنجش همدلی به کار گرفته شدند. همدلی منجر به رفتارهای مثبت اجتماعی می‌شود [۸،۷] و مبادلات اجتماعی مناسب را تسهیل می‌کند [۱۰،۹].

نهایتاً، نظر به اهمیت موضوع دوام‌پذیری محیط زیست که اخیراً تبدیل به معضل اجتماعی عمده‌ای شده است، مقیاسی نیز به منظور سنجش پیوند با طبیعت^۴ (میزانی که فرد خود را بخشی از جهان طبیعی تصور می‌کند) نیز استفاده شد. پیوند با طبیعت با رفتارهای سازگار با محیط زیست و رضایت از زندگی افراد در رابطه است [۱۱]. این سازه که از دل روان‌شناسی محیطی^۵ سر برآورده است مانند سایر سازه‌های این شاخه از روان‌شناسی، قادر به گسترش دادن مفهوم عملکرد مثبت است تا حدی که جنبه محیطی را نیز به آن‌چه از عملکرد مثبت در ذهن روان‌شناسان است می‌افزاید. لذا بکارگیری چنین سازه‌هایی بر پهنا و عمق نظریه روان‌شناسی می‌افزاید. بر این اساس، در پژوهش حاضر این متغیر نیز بکار گرفته شد تا شاخصی باشد از رابطه مثبت و سازنده فرد و طبیعت. بدین وسیله افق پژوهش حاضر از سطح بین‌فردی و اجتماعی فراتر می‌رود تا جایی که رابطه افراد با اجتماع بوم‌شناختی‌شان نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد. از اهداف پژوهش حاضر همچنین بررسی تفاوت‌های جنسی موجود در رابطه بین متغیرهای پیشین و ملاک می‌باشد.

- 1: social participation
- 2: emphatic concern
- 3: perspective taking
- 4: connectedness to nature
- 5: eco psychology

در پیش‌بینی متغیرهای ملاک به صورت جمعی مورد بررسی قرار دهیم (با کنترل واریانس مشترک بین متغیرها). برای بررسی همسانی رابطه بین متغیرهای ملاک و پیچیدگی اجتماعی و پاداش کوشش در دو جنس از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شد. این روش این امکان را به ما می‌دهد تا تفاوت بین گروه‌ها را در میزان همبستگی بین متغیرها بررسی کنیم.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ آلفای تمامی مقیاس‌های پژوهش را نمایش می‌دهد. آلفای دو مقیاس پیچیدگی اجتماعی و کنترل سرنوشت کمی پایین به نظر می‌رسد با این حال ضرایب آلفای بدست آمده برای این دو مقیاس کاملاً مشابه ضرایب بدست آمده در بسیاری از پژوهش‌های پیشین است (برای مثال چن، باند و چونگ، [۱۴] در یک نمونه چینی؛ سینجلیس و همکاران، [۱۵] در یک نمونه امریکایی و لونگ و همکاران [۱۶] در نمونه‌هایی از هنگ کنگ، چین، هند، اسرائیل و استونی). جدول ۱ همبستگی بین تمامی مقیاس‌های پژوهش را نمایش می‌دهد.

پیوند با طبیعت. مقیاس پیوند با طبیعت میر و فرنترز [۱۱] به منظور سنجش این که تا چه حد فرد خود را با طبیعت یکی می‌بیند بکار گرفته شد. شرکت کنندگان با استفاده از مقیاس لیکرت پنج تایی (۱=به شدت مخالف، ۵=کاملاً موافق) به ۱۷ ماده این مقیاس پاسخ دادند. مشارکت اجتماعی. این مقیاس شامل ۱۴ ماده است که میزان مشارکت فرد را در زمینه‌های اجتماعی، تفریحی، ورزشی، سیاسی، مذهبی و داوطلبانه در سه ماه گذشته می‌سنجد. شرکت کنندگان با استفاده از مقیاس چهارتایی (۱=هرگز، ۲=یکبار، ۳=چندبار، ۴=بسیار زیاد) به سؤالات پاسخ دادند. این مقیاس توسط چیکونیانی و همکاران [۶] برای استفاده در نمونه‌های امریکایی، ایتالیایی و ایرانی طراحی شد. همدلی. زیرمقیاس‌های دغدغه همدلانه و دگراندیشی پرسش‌نامه همدلی [۱۳] به منظور سنجش گرایش همدلانه به کار گرفته شد. مقیاس دگراندیشی شامل ۷ ماده است که تلاش فرد در خصوص پذیرش نظرات دیگران و دیدن مسائل از نقطه نظر آن‌ها را می‌سنجد. مقیاس دغدغه همدلانه نیز احساس‌های صمیمیت، محبت و نگرانی برای دیگران را می‌سنجد (۷ ماده). پاسخگویان با استفاده از مقیاس پنج تایی (۱=در مورد من صادق نیست، ۵=در مورد من صادق است) به سؤالات پاسخ دادند. تحلیل‌های آماری نشان داد که با حذف ماده ۱ از مقیاس دگراندیشی می‌توان آلفای آن را از ۰/۶۶ به ۰/۷۲ افزایش داد. بر این اساس ماده شماره ۱ حذف شد.

شیوه‌ی تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های حاصل، از تحلیل همبستگی دومتغیره، تحلیل همبستگی کانونی^۱، و الگوسازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. بر خلاف تحلیل همبستگی دومتغیره ساده، تحلیل همبستگی کانونی (که تحلیلی چند متغیره است) این امکان را می‌دهد که قدرت پیش‌بینی کنندگی اصول پنج‌گانه را

1: canonical correlation

جدول ۱. ضرایب آلفا و نتایج تحلیل همبستگی بین مقیاس‌ها

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	بدیعی اجتماعی
								۱	۱۱/۰-	پادش کوشش
							۱	**۴۷/۰	۰۱/۰	پسچیدگی اجتماعی
						۱	۰۵/۰-	۰۳/۰	**۳۶/۰	کنترل سرنوشت
					۱	*۱۲/۰	۰۱/۰	**۳۱/۰	۰۴/۰-	دیانت
				۱	**۳۲/۰	۰۷/۰-	**۳۱/۰	**۳۳/۰	۱۰/۰-	قدردانی
			۱	**۲۱/۰	۱۰/۰	۰۱/۰	**۳۱/۰	**۳۰/۰	۱۱/۰-	پیوند با طبیعت
		۱	۰۱/۰-	۰۰۷/۰-	۰۳/۰	۰۵/۰-	۰۲/۰-	۰۳/۰	۰۴/۰	مشارکت اجتماعی
	۱	۰۱/۰	**۳۰/۰	**۲۳/۰	**۲۰/۰	۰۳/۰-	**۲۱/۰	**۱۵/۰	*۱۵/۰-	دگراندیشی
۱	**۴۳/۰	*۱۴/۰-	**۲۳/۰	**۲۲/۰	*۱۴/۰	۰۵/۰	**۲۳/۰	**۲۰/۰	۰۱/۰	دغدغه همدلانه
۶۴/۰	۷۱/۰	۸۸/۰	۷۸/۰	۷۵/۰	۷۴/۰	۴۸/۰	۵۱/۰	۶۷/۰	۶۲/۰	ضرایب آلفا
* p < ۰/۰۵						** p < ۰/۰۱				

پراکندگی تبیین شده با مدل حاصل $\lambda - 1$ نشان‌گر مقدار اثر کل مدل است. بنابراین برای مجموع پنج تابع، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کل مدل در حدود ۰/۴۰ از پراکندگی مشترک بین دو مجموعه متغیر را تبیین می‌کند، که مقدار قابل توجهی است.

تحلیل کاهش بعد نشان داد که تنها تابع اول به لحاظ آماری معنادار است ($p < ۰/۰۰۱$ و $F = ۴/۳۲$ و $۷۴۴/۴۷$ و ۲۵) و سایر تابع‌های دیگر به لحاظ آماری معنادار نبودند، لذا صرفاً تابع اول ارزشمند تلقی می‌شود (این تابع ۳۹/۶٪ از پراکندگی مشترک را تبیین می‌کند) که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

جدول شماره ۲ ضرایب تابع کانونی استاندارد شده، ضرایب ساختاری (یا بار عاملی کانونی) و مجذور

به منظور بررسی بیشتر رابطه بین اصول بدیعی اجتماعی و متغیرهای ملاک، تحلیل همبستگی کانونی بکار گرفته شد.

با استفاده از این روش آماری، پژوهشگر به جای این که برای هر یک از متغیرهای وابسته به صورت جداگانه تحلیل رگرسیون اجرا کند، مقیاسی ترکیبی از متغیرهای وابسته ایجاد می‌کند. پنج اصل بدیعی به عنوان پیش‌بین‌های متغیرهای ملاک به کار گرفته شدند. تحلیل منجر به پنج تابع با همبستگی کانونی به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۲۳، ۰/۱۷، ۰/۷ و ۰/۰۳ شد. روی هم‌رفته مدل (شامل هر پنج تابع) به لحاظ آماری معنادار ارزیابی می‌گردد ($p < ۰/۰۰۱$ و $F = ۴/۳۲$ و $۷۴۴/۴۷$ و ۲۵)، $F = ۰/۶$ $\lambda =$ Wilks's). از آن‌جا که λ Wilks's معرف میزان

و ضریب ساختاری معنادار (۰/۵۹) بود. این تفاوت ناشی از وجود همبستگی بین متغیرهای ملاک است (برای مثال همبستگی بالای ۰/۴۳ بین دغدغه همدلانه و دگراندیشی). بنا بر نظر شری و هنسون [۱۷] در تحلیل همبستگی کانونی همبستگی بین متغیرها بر روی ضرایب تابع کانونی تأثیر گذاشته و گاهی منجر به این می‌شوند که متغیری که در واقع در توجیه پراکندگی تابع نقش دارد کم اهمیت جلوه کند.

ضرایب ساختاری تابع ۱ را نمایش می‌دهد. ضرایب ساختاری تابع نمایانگر آن است که قدردانی (۰/۸۱) نقش بسیار مهمی را در مجموعه متغیرهای ملاک ایفا می‌کند. دیگر متغیرهای معنادار دگراندیشی (۰/۵۹)، دغدغه همدلانه (۰/۵۶) و پیوند با طبیعت (۰/۵۹) هستند. این چهار متغیر همچنین از ضرایب تابع کانونی قابل قیاس نیز برخوردار بودند. تنها استثنا متغیر دغدغه همدلانه بود که دارای ضریب تابع غیرمعنی‌دار (۰/۲۶)

جدول ۲. نتایج تحلیل همبستگی کانونی

متغیر	Coef	rs	rs2
متغیرهای پیشین			
بدبینی اجتماعی	۲۱/۰-	۳۱/۰-	۱۱/۰
پادش کوشش	۳۸/۰	۷۹/۰	۵۶/۰
پیچیدگی اجتماعی	۵۵/۰	۷۵/۰	۴۱/۵۰
کنترل سرنوشت	۱۱/۰-	۱۴/۰-	۰۵/۰
دیانت	۳۸/۰	۵۱/۰	۳۱/۰
rc			
rc2			
متغیرهای ملاک			
قدردانی	۶۲/۰	۸۱/۰	۶۷/۰
پیوند با طبیعت	۳۳/۰	۵۹/۰	۲۹/۰
مشارکت اجتماعی	۰۰۶/۰-	۰۵/۰-	۰۱/۰
دگراندیشی	۲۶/۰	۵۹/۰	۳۴/۰
دغدغه همدلانه	۲۴/۰	۵۶/۰	۳۰/۰

اشاره: ضرایب ساختاری (rs) بزرگتر از 0.3 | به صورت پررنگ نمایش داده شده اند.
 Coef = ضرایب تابع کانونی استاندارد شده، rs = ضرایب ساختاری، rs2 = مجذور ضرایب ساختاری، rc = ضریب همبستگی کانونی، rc2 = مجذور ضریب همبستگی کانونی.

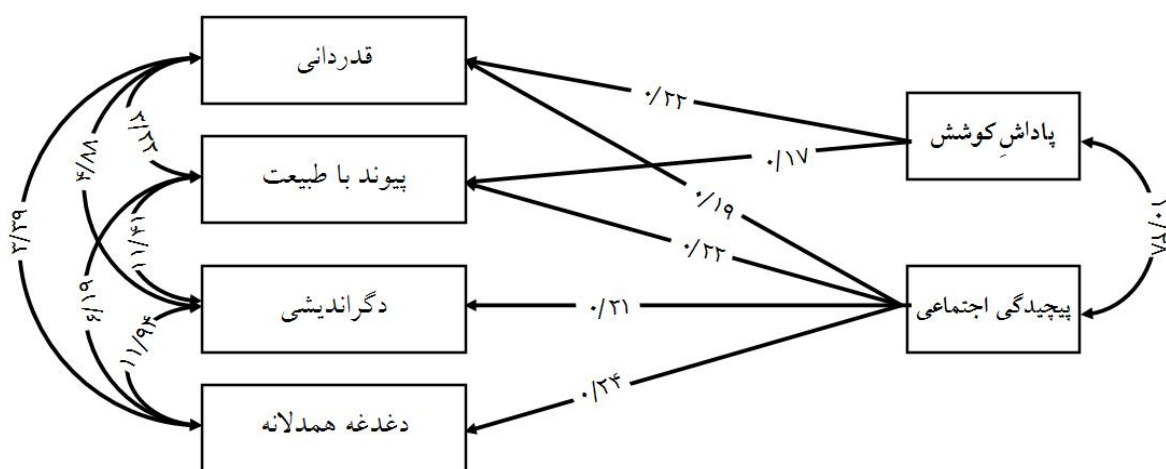
چهار متغیر ضرایب تابع کانونی قابل مقایسه‌ای نیز داشتند. قابل توجه است که بدبینی اجتماعی با تمام متغیرهای معنادار تابع رابطه معکوس دارد. هم نتایج تحلیل همبستگی و هم تحلیل همبستگی کانونی نشان دادند که از بین اعتقادات اجتماعی پنجگانه، پیچیدگی اجتماعی و پادش کوشش قوی‌ترین همبستگی

در خصوص مجموعه متغیرهای پیشین در تابع ۱، ضرایب ساختاری نشان می‌دهند که تمامی متغیرهای پیشین به استثنای کنترل سرنوشت (۰/۱۴-) کم و بیش نقش معنادار ایفا می‌کنند. بدبینی اجتماعی (۰/۳۱-)، پادش تلاش (۰/۷۹)، پیچیدگی اجتماعی (۰/۷۵) و دیانت (۰/۵۱) همگی نقش معنادار ایفا می‌کنند. این

تحلیل‌های انجام شده تا به حال صرفاً دو اعتقاد اجتماعی که بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیرهای ملاک دارند به کار گرفته شده‌اند. با نظر به ضعیف بودن همبستگی‌ها بین پاداش کوشش و دو بعد هم‌مدلی (دغدغه هم‌دلانه و دگراندیشی) مسیر بین پاداش کوشش و این دو متغیر آزاد در نظر گرفته نشد. با توجه به وابستگی نظری (همه عملکرد اجتماعی فرد را می‌سنجند) و همبستگی آماری (جدول ۱ را ببینید) بین چهار متغیر ملاک، کوواریانس بین خطاهای این چهار متغیر برای محاسبه آزاد گذاشته شد. همچنین نظر به همبستگی قابل توجه بین پیچیدگی اجتماعی و پاداش کوشش، کوواریانس این دو متغیر هم برای محاسبه آزاد گذاشته شد (برای مشاهده همبستگی‌ها به جدول ۱ مراجعه کنید).

را با متغیرهای ملاک داشتند و مشارکت اجتماعی هم رابطه معناداری با این دو متغیر ندارد. برای بررسی همسانی رابطه بین متغیرهای ملاک و پیچیدگی اجتماعی و پاداش کوشش در دو جنس از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شد. در این روش محقق براساس فرضیه‌ای که در مورد روابط بین سازه‌های نهان یا اندازه‌گیری شده دارد، به تجزیه و تحلیل این روابط می‌پردازد.

در آغاز، بر اساس تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش (همبستگی دو متغیره و کانونی) مدلی برای بررسی طراحی شد. برازش این مدل که در شکل ۱ نمایش داده شده است در کل نمونه (شامل هر دو جنس) بررسی شد. در این مدل پایه، بر اساس نتایج



شکل ۱. مدل پایه

جدول ۳. شاخص‌های برآزش

شاخص‌های برآزش	x2	df	p	CFI	IFI	NFI	RMSEA
	۵/۲۱	۲	۰/۰۷	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۷

چنانچه در جدول دیده می‌شود تمامی شاخص‌های برآزش خوب یا عالی هستند لذا تحلیل عاملی تاییدی این مدل را که بر اساس تحلیل همبستگی دومتغیره و کانونی در نمونه حاضر طراحی شده است حمایت می‌کند.

مرحله آخر، بررسی فرضیه عدم تغییر اندازه گیری^۷ این مدل در دو جنس است. استفاده از SEM چندگروهی برای بررسی تفاوت‌های بین گروهی از روش‌های جدید و سرآمد است که برای این منظور قویا پیشنهاد شده است (برای نمونه [۲۱] کاپارا و همکاران ۲۰۰۰، [۲۲] بایرن، شولسون و موتن، ۱۹۸۹، [۲۳] بری و همکاران، ۲۰۰۲، [۲۴] فونتنین، ۲۰۰۵، [۲۵] مردیت، ۱۹۹۳). روش کار به این صورت است که در مدل فرضی دومی پارامترهای مسیرهای بین متغیرهای پیش بینی کننده (پاداش کوشش و پیچیدگی اجتماعی) و متغیرهای ملاک چهارگانه برای زن و مرد یکسان در نظر گرفته می‌شود (آزاد گذاشته نمی‌شود) و برآزش مدل جدید بررسی می‌شود. سپس از آزمون تفاوت بین خیی‌دوهای^۸ [۲۱] کاپارا و همکاران ۲۰۰۰، [۲۲] بایرن، شولسون و موتن، ۱۹۸۹، [۲۵] مردیت، ۱۹۹۳) دو گروه برای مقایسه دو مدل استفاده می‌شود. چنانچه برآزش مدل دوم به صورت معناداری از مدل اول بدتر بود (در سطح ۰/۰۵) می‌توان نتیجه گرفت که حداقل یکی از مسیرهای بین متغیرهای پیش بین و ملاک در بین دو جنس به صورت معنی داری متفاوت هستند (به عنوان یک نمونه فرضی پاداش کوشش، قدردانی را در زنها به صورت معناداری پیشبینی می‌

نکته: تمام پارامترها برای کل نمونه شامل دختر و پسر هست. ضریب‌های رگرسیون استاندارد شده گزارش شده‌اند.

به منظور بررسی برآزش این مدل پایه در کل نمونه، در تحلیل عاملی تاییدی از روش «درست‌نمایی پیشینه»^۱ و شاخص‌های برآزش^۲ استفاده گردید. شاخصهای برآزش، مقادیری آماری را بدست می‌دهند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به انتخاب مدل مناسب‌تر یاری می‌کنند. شاخصهای برآزش زیادی وجود دارد، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال پایه و اساس سایر شاخصها محسوب می‌گردد، x2 است. هرچه مقدار x2 به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برآزش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار خیی‌دو تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل ساختاری قرار می‌گیرد، در این مواقع مقدار خیی‌دو بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر x2 نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت، در نتیجه در کنار این شاخص از شاخصهای دیگری نیز برای برآزش مدلها استفاده می‌شود. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)^۳ برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بالاتر از ۰/۱ است [۲۲] (۱۸) براون و سودک^۴، ۱۹۹۳). بر اساس یک قاعده کلی، شاخصهای برآزش تطبیقی (CFI)^۵، نرم شده برآزشدگی (NFI)^۶ برای مدل‌های خوب بالاتر از ۰/۹ است [۱۹] مک‌کالوم و اوستین، ۲۰۰۰؛ [۲۰] کلایسن، ۲۰۰۵). مقادیر شاخص‌های برآزش مدل در جدول ۳ نمایش داده شده است. همچنین ضریب‌های رگرسیون استاندارد شده نیز در شکل ۱ نمایش داده شده است.

1. Maximum likelihood
2. Fit indexes
3. Root Mean Square Error of Approximation
4. Brown & cudeck
5. Comparative Fit Index
6. Normed Fit Index

7. measurement invariance
8. chi square difference test

کند ولی در مردها این مسیر معنادار نیست). سپس تلاش خواهد شد تا آن پارامتر یا پارامترهای متغیر بین دو گروه شناسایی شود. ولی چنانچه آزمون تفاوت بین خی دوها معنی دار نباشد می توان نتیجه گرفت که مسیرهای بین متغیرهای پیش بین و ملاک در بین دو جنس تفاوت معناداری ندارند یا به اصطلاح مدل آزموده شده در بین دو جنس نامتغیر^۱ یا همسنگ^۲ است. مدل فرضی دوم با قرار دادن محدودیت بر روی مسیرهای یاد شده (بین پاداش کوشش و قدردانی و پیوند با طبیعت و بین پیچیدگی اجتماعی و هر چهار متغیر ملاک) ساخته و بررسی شد ($x_2 = 19/006$, $x_1 = 10$, $df = 10$). آزمون تفاوت بین خی دوهای این مدل با مدل پایه معنادار نبود ($p = 0/08$). پس می توان این نتیجه گیری را کرد که مسیرهای بین متغیرهای پیش بین و ملاک در بین دو جنس متفاوت معناداری ندارند یا در بین دو جنس نامتغیر است.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، به منظور بررسی رابطه اصول بدیهی اجتماعی و مجموعه‌ای از نشانگرهای عملکرد بین فردی، اجتماعی و محیطی مثبت، از دو روش آماری همبستگی دو متغیره و تحلیل همبستگی کانونی بهره گرفته شد. نتایج تحلیل همبستگی دو متغیره نشان داد که بدینی اجتماعی با دگراندیشی رابطه منفی دارد. این امر هم‌راستا با تحقیقات انجام شده قبلی است. تحقیقات قبلی نشان از آن دارند که بدینی اجتماعی با عملکرد بین فردی و اجتماعی ضعیف در رابطه است. به عنوان مثال بدینی اجتماعی با رویکردی خصمانه و مقابله‌ای به وابستگی متقابل [۲۶]، سطوح پایین همدلی و صلح‌جویی^۳ و سطوح بالای خصومت [۲۷] و سطوح پایین اعتماد بین فردی [۱۵] در رابطه است. گرچه پاداش کوشش و پیچیدگی اجتماعی ممکن است در نگاه اول به لحاظ نظری رابطه چندانی با

عملکرد اجتماعی و بین فردی افراد نشان ندهند، اما نتایج تحلیل همبستگی دو متغیره نشان از آن دارد که این دو با تمام متغیرهای ملاک به غیر مشارکت اجتماعی رابطه مثبت دارند. مطالعات قبلی نیز بین این دو بعد و شاخص‌های عملکرد بین فردی و اجتماعی همبستگی‌های معناداری را ثبت کرده‌اند. به عنوان مثال محققین دریافته‌اند که پاداش کوشش با ویژگی‌های شخصیتی چون سازش‌پذیری^۴ [۲۸] و مهربانی^۵ و هماهنگی^۶ [۱۴] رابطه مثبت دارد. این ویژگی‌های شخصیتی هریک کم و بیش با متغیرهای ملاک پژوهش حاضر به لحاظ نظری مرتبط هستند. محققین همچنین بین پیچیدگی اجتماعی و همدلی و صلح‌جویی رابطه مثبت و بین این متغیر و خصومت رابطه منفی یافته‌اند [۲۷]. پیچیدگی اجتماعی همچنین با ارزش‌هایی چون نیکوکاری^۷ [۱۶] و فرا روی از خود^۸ [۲۹] رابطه مثبت دارد. این نکته شایان ذکر است که همبستگی نسبتاً قوی بین دو متغیر پاداش کوشش و پیچیدگی اجتماعی (۰/۴۷) می‌تواند یکی از علل این امر باشد که رابطه این دو متغیر و متغیرهای ملاک الگوی نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهند.

کنترل سرنوشت با هیچ‌یک از متغیرهای ملاک همبستگی معناداری نشان نداد. مطالعات قبلی نیز رابطه‌ای بین این متغیر و شاخص‌های عملکرد مثبت بین فردی و اجتماعی نیافته‌اند. تنها استثنا مطالعه دینکا و ایلیسکو [۲۷] است که همبستگی نسبتاً ضعیف ۰/۱ را بین کنترل سرنوشت و همدلی گزارش می‌کند. نهایتاً، دیانت با قدردانی، دگراندیشی و دغدغه همدلانه رابطه مثبت داشت. نظر به یافته‌های مطالعات پیشین این رابطه نیز قابل انتظار بود. مطالعات نشانگر آن هستند که این متغیر با ارزش نیکوکاری [۱۶] و فراروی از خود [۲۹] و همدلی رابطه مثبت دارد [۲۷].

4 agreeableness
5 graciousness
6 harmony
7 benevolence
8 self-transcendence

1. invariant
2. equivalent
3. amicability

ملاک است (بدیینی اجتماعی پایین و پاداش کوشش، پیچیدگی اجتماعی و دیانت بالا).

در نهایت در پژوهش حاضر از SEM بهره گرفته شد تا تفاوت‌های جنسی موجود سنجیده شود. نتایج این بررسی نه تنها یافته‌های تحلیل همبستگی دو متغیره و کانونی را مورد تایید قرار داد (با برازش خوب مدل پایه)، همچنین نشان داد که رابطه بین دو متغیر پیش بین پیچیدگی اجتماعی و پاداش کوشش با متغیرهای ملاک در بین دو جنس نا متغیر است و در نتیجه یافته‌ها را می توان به هردو جنس تعمیم داد.

روی هم رفته نتایج بررسی‌های آماری در پژوهش حاضر حاکی از آن است که دو بعد پاداش کوشش و پیچیدگی اجتماعی بیشترین نقش را در بین اصول بدیهی پنج گانه در پیش بینی عملکرد مثبت بین فردی، اجتماعی و محیطی ایفا می کنند. می توان این گونه نتیجه گرفت که اصول بدیهی اجتماعی رابطه قابل توجهی با متغیرهای ملاک در نمونه استفاده شده دارند. به عبارت دیگر اعتقادات تعمیم یافته در خصوص خود، محیط اجتماعی و جسمانی و جهان روحانی با عملکرد بین فردی، اجتماعی و محیطی افراد در رابطه است.

البته پژوهش حاضر از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است. با توجه به حجم نمونه نسبتاً کم و دانشجویی بودن نمونه نمی توان نتایج را به تمام مردم کشور تعمیم داد. تعداد دانشجویان پسر نیز از دانشجویان دختر کمتر بود. لذا برای موضع گیری قاطع تر در رابطه متغیرهای بکار گرفته شده در جامعه ایرانی انجام پژوهشهای بیشتر در نمونه‌های متنوع تر ضروری به نظر می رسد.

یک نکته قابل توجه این بود که اصول بدیهی اجتماعی هیچ رابطه معناداری با متغیر مشارکت اجتماعی در نمونه حاضر ندارد. این در حالی است که به لحاظ نظری چنین رابطه‌ای انتظار می رفت. پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در حال حاضر اجازه توجیه این یافته را به ما نمی دهد. نظر به نوپا بودن این حوزه تحقیقاتی، تحقیقات آینده جهت توجیه چنین یافته‌هایی ضروری به نظر می رسند.

نتایج تحلیل همبستگی کانونی حاکی از آن بود که دانشجویانی که دارای سطوح پایین تری از بدیینی اجتماعی و سطوح بالاتری از پاداش کوشش، پیچیدگی اجتماعی و دیانت هستند سطوح بالاتری از قدردانی، پیوند با طبیعت، دگراندیشی و دغدغه همدلانه را نیز نشان می دهند. در بین اصول بدیهی، کنترل سرنوشت و در بین متغیرهای ملاک مشارکت اجتماعی نقش معنی داری را در تابع معنی دار تحلیل همبستگی کانونی ایفا نکردند که نشان از نقش بسیار کم رنگ آن‌ها در بررسی سؤال پژوهش حاضر دارد. نتایج همبستگی کانونی کاملاً در راستای نتایج همبستگی دو متغیره است.

استفاده از تحلیل همبستگی کانونی را می توان یکی از نقاط قوت پژوهش حاضر تلقی کرد. یکی از برنامه‌های پیشنهادی هوپی و هوپی [۳] برای تحقیقات آینده در حوزه اصول بدیهی اجتماعی بررسی نیمرخ‌های^۱ اصول بدیهی افراد است (به جای بررسی جداگانه هر اصل). نتایج تحقیق حاضر، که اولین پژوهش است که در حوزه اصول بدیهی از روش آماری همبستگی کانونی استفاده کرده است، نشانگر آن است که این روش آماری قادر به تولید یک یا چند تابع (یا نیمرخ) از اصول بدیهی است که بیشترین رابطه را با متغیرهای ملاک دارند. چنان چه در بالا اشاره شد، این روش نیمرخ از اصول بدیهی را پیشنهاد کرد که مؤثرترین نیمرخ در پیش بینی متغیرهای

منابع

1. Leung, K., Bond, M. H., Reimel de Carrasquel, S., Muñoz, C., Hernández, M., Murakami, F., Yamaguchi, S., Bierbrauer, G., & Singelis, T. M. (۲۰۰۲) Social axioms: The search for universal dimensions of general beliefs about how the world functions. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, vol33: pp. 286–302.
2. Leung, K., & Bond, M. H. Social axioms: A model for social beliefs in multi-cultural perspective. (2004) *Advances in Experimental Social Psychology*, vol36: pp.119–197.
3. Hui, C.-M. and Hui, N.H.-H. (2009) The Mileage from Social Axioms: Learning from the Past and Looking Forward. In K. Leung and M.H. Bond (Eds.), *Psychological Aspects of Social Axioms: Learning from the Past and Looking Forward*. Springer New York. pp.13-30.
4. Emmons, R. A., McCullough, M. E., & Tsang, J. (2003) The assessment of gratitude. In S. J. Lopez and C. R. Snyder (Eds.). *Handbook of positive psychology assessment*, Washington, DC: American Psychological Association. pp. 327-341.
5. Emmons, R. A., & Shelton, C. S. (2002) Gratitude and the science of positive psychology. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology*, New York: Oxford University Press. pp. 459–471.
6. Cicognani, E., Pirini, C., Keyes, C.M.L. , Joshanloo, M., Rostami, R., and Nosratabadi, M. (2008) Social participation, sense of community and social well-being: A study on American, Italian and Iranian University students". *Social indicators research*. vol89 (1): pp. 97-112.
7. Batson, C.D. (1991) *The altruism question: Toward a social-psychological answer*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
8. Eisenberg, N. & Fabes, R. A. (1990) Empathy: Conceptualization, measurement, and relation to prosocial behavior, *Motivation and Emotion*. vol14: pp. 131–149.
9. Eisenberg, N., Fabes, R.A., Murphy, B., Karbon, M., Smith, M., et al. (1996) The relations of children's dispositional empathy-related responding to their emotionality, regulation, and social functioning. *Developmental Psychology*. vol32: pp. 195-209.
10. Feshbach, S. (1978) The environment of personality. *American Psychologist*. vol33: pp.447–455.
11. Mayer, F.S. and Frantz, C.M. (2004) The connectedness to nature scale: A measure of individuals' feeling in community with nature. *Journal of Environmental Psychology*. vol24:pp.503-515.
12. McCullough, M. E., Emmons, R. A., & Tsang, J. (2002) The grateful disposition: A conceptual and empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*. vol82:pp.112-127.
13. Davis, Mark H. (1980) A multidimensional approach to individual differences in empathy. *JSAS Catalog of Selected Documents in Psychology*. vol10:p 85.
14. Chen, S. X., Bond, M. H., & Cheung, F. M. (2006) Personality correlates of social axioms: Are beliefs nested within personality? *Personality and Individual Differences*, vol40:pp.509–519.
15. Singelis, T. M., Hubbard, C., & Her, P. (2003) Convergent validation of the Social Axioms Survey. *Personality and Individual Differences*. vol34:pp.269–282.
16. Leung, K., Au, A., Huang, X., Kurman, J., Niit, T., & Niit, K. K. (2007) Social axioms and values: A cross-cultural examination. *European Journal of Personality* vol21:pp.91–111.
17. Sherry, A., & Henson, R. K. (2005) Conducting and interpreting canonical correlation analysis in personality research: A user-friendly primer. *Journal of Personality Assessment*. vol84:pp.37-48.
18. Browne, M. W. & Cudeck, R. (1993) Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen, & J. S. Long (eds.), *Testing structural equation models*. Beverly Hills, CA: Sage, pp.136–162.
19. MacCallum, R.C. and Austin, J.T. (2000) Applications of Structural Equation Modeling in Psychological Research, *Annual Review of Psychology*, vol51:pp.201–226.
20. Kline, R.B. (2005) *Principles and practice of structural equation modeling* (2ed ed.). New York, Guilford Press.
21. Caprara, G. V., Barbaranelli, C., Berm'andez, J., Maslach, C., & Ruch, W. (2000) Multivariate methods for the comparison of factor structures in cross-cultural

- research: An illustration with the Big Five Questionnaire. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, vol31:pp.437-464.
22. Byrne, B. M., Shavelson, R. J., & Muthén, B. (1989) Testing for the equivalence of factor covariance and mean structures: The issue of partial measurement invariance. *Psychological Bulletin*, vol105:pp.456-466.
23. Berry, J. W., Poortinga, J. H., Segall, M. H. & Dasen, P. R. (2002) *Cross-cultural psychology: Research and applications* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
24. Fontaine, J. R. J. (2005) Equivalence. In K. Kempf-Leonard (Ed.), *Encyclopedia of social measurement*. New York: Academic Press. Vol1: pp. 803-813.
25. Meredith, W. (1993) Measurement invariance, factor analysis and factorial invariance. *Psychometrika*, vol58:pp.525-543.
26. Guan, Y., Bond, M. H., Dinka, M., & Iliescu, D. (2007) Social axioms among Romanians: Structure and demographic differences. Manuscript submitted for publication.
27. Dinka, M., & Iliescu, D. (2009) Linking Social Axioms with Behavioral Indicators and Personality in Romania. In K. Leung and M.H. Bond (eds.), *Psychological Aspects of Social Axioms: Learning from the Past and Looking Forward*. Springer New York, pp.145-162.
28. Chen, S. X., Fok, H. K., Bond, M. H., & Matsumoto, D. (2006) Personality and beliefs about the world revisited: Expanding the nomological network of social axioms. *Personality and Individual Differences*, vol41:pp.201-211.
29. Bond, M. H., Leung, K., Au, A., Tong, K. K., & Chemonges-Nielson, Z. (2004) Combining social axioms with values in predicting social behaviors. *European Journal of Personality*, vol18:pp.177-191